

کتمان حقایق، خیانت به انقلاب است

هردم را اگر در جریان واقعیت‌ها بگذارید
اگر بگویند که ما ورا ثیک سابقه تاریخی-
اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و فرهنگی
کثیف و ورشکسته هستیم به هیچ‌جا
صلب‌هه و لطمہ‌ای وابد نمی‌سازد امسا
سرپوش گذاردن همه دشواریها را بدوش
دولت موقت جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد
در حالیکه این دولت و دولتهای بعدی
سالها طول می‌کشد تا موفق برفع این
دشواریها شوند بجای اینکه غیرمستقیم
فروشنده گازوئیل را از کارمزد ده درصد
فروش معروم کنیم و به او اجازه بدheim
گازوئیل را لیتری ۴۵ دینار بفروش دهد
اعلام کنیم مملکت نیاز به گذشت وفادکاری
مردم دارد و مردم باید برای هر لیتر
گازوئیل ۵ دینار اضافه پرداخت کنند.
آیا اتخاذ یک روش صادقانه بهتر
است یا اینکه شرکت نفت بدون اینکه
مصرف‌کننده را در جریان افزایش غیر
مستقیم قیمت گازوئیل بگذارد به پیمانکار
اجازه دهد در قبال حذف تخفیف متعارف
خودش اجازه داشته باشد ۵ دینار روی
فروش بکشد نتیجه این می‌شود که جامعه
مصرف‌کننده گناه گرانی را متوجه پیمانکار
بیچاره سازند و بنچار مردم رودرروی هم
قرار گیرند.

دیروز با یک کشاورز کشتکار برنج
صحبت می‌کردم هیگفت بهای یک خرداد
شلتوك (برنج پالا نشده) در فصل بروز
برداری در منطقه شش‌هزار و سیصد ریال
است یعنی هر کیلو متوسط یکصد و پنج
ریال برای مصرف‌کننده و این در حالی

هر سازمان گناه را به گردن دیگری می‌
گذارد چرا نمی‌گویند توقف پروژه‌های
 عمرانی دولتی - توقف فعالیت ساختمانی
 وجود مقررات استخدامی - توقف برنامه-
 های راهسازی هرگونه امکان استغال را
 محدود ساخته و اگر در شرائط قرار
 دارید که فعلاً نمی‌توانید کار ایجاد کنید
 لائق با یک مصاحبه حقیقت را به جویندگان
 کار بازگو کنید تا آنها چشم انتظار کمک
 شما نباشند و تا گشایش کار خودشان
 کسب و پیشه‌ای دست و پا کنند. چرا
 مشکلات گرانی و کمبود مواد اولیه کارخانه‌ها
 را به مردم نمی‌گویند و به مردم هشدار
 نمی‌دهید به مردم آموزش صرفه‌جویی و
 تنشک گردن گمرک‌ها را نمی‌دهید تا مردم
 را قاعیت‌ها را دریابند و در مصرف مواد
 ضروری و غیر ضروری دولت را یاری
 هند.

چرا باید دشواریها را صادقانه و
 علی‌ریا به مردم نگوینیم و از آنها راه چاره
 کمک نطلبیم...؟! این چگونه سمینار
 کشاورزی است که وقتی دانشجوی‌دانشکده
 کشاورزی کرج حرفه‌ای منطقی می‌زند به
 ستور وزیر کشاورزی او را از جلسه
 خراج می‌کنند چرا با این دانشجو بحث
 می‌شود تا قانعش کنند، قازه اگر قانع
 هم نشد گمان نمی‌کنم مشکلی در تنظیم
 تائید قطعنامه پیش ساخته شده پیش
 بیند؛ در این سمینار سخن از بزرگ‌مالکان
 دست اندرکاران روز رفته است چرا که
 نکس که تیر این تهمت مستقیماً متوجه
 و سمت در مقام دفاع منطقی بر نیامده است؟!

برای همیشه نمی‌شود شور و درگ مردم
را به بازی گرفت

است که برنج امریکانی وارداتی با هزینه
حمل و نقل - بیمه - باربری - سود خریدار
و فروشنده و با اعلام اینکه یک کیسه برنج
چهل و چهار کیلوگرم برنج دارای ۴۰ رصد
خرده برنج است ۶۳ رویال است... چرا؟
و چرا برنج هزاره کشاورز ایرانی که بابت
کاشت و داشت و برداشت آن به دلیل
کار دستجهعنی خانوار روستائی هزدی داده
بیشود یکصلو پنجره بال است پاسخ این
چراها را باید مستولان بدھند و مردم را
در جریان حقایق بگذارند در غیر این
صورت باید در انتظار گسترش روح بی-
اعنهای و بی ایمانی مردم نسبت به دولت
با شعیم و تعجب نکنید که بازار شایعه-
پردازی و یقیناً سوء استفاده عوامل قد
از تقلب در بین مردم هر روز داغتر از روز
پیش باشد.

همین ملت بود که در پاسخ حرف
حق و سخن راست و امر امام در حرکتی های
چند هیلیونی و راه پیمانی های بزرگ به یکی
از شگفتی آفرین ترین پیروزی های جهان
توافق یافت . بیانیم با مردم روراست
باشیم و از گفتن حقیقت هر چند تلغیت نماییم
پرهیز نکنیم و مطمئن باشیم اگر خودمان
دشواری ها را با مردم در میان بگذاریم فرد
انقلاب کاه شایعه را بصورت گوه فاجعه
در نخواهد آورد .

برای همیشه نمیشود شعور و درک
مردم را به بازی گرفت . دولت باید
نارسائی ها و تنگناها را صریحاً به ملت
بگوید هر روز بیر مسئولی در یک برنامه
تلوزیونی مشکلات کارش را بازگو کند و
از وجود تنگناها مردم را آگاه کند چرا که
ریشه بدختی ها و تنگناها سوابقه ۱۵۰
ساله پنجاه ساله و ۱۶ ساله اخیر دارد .

حضرت آیت الله

باقیه از صفحه اول
یک خانواده می پنداریم.
حضرت آیت الله،
بی گمان فراموش نفرموده اید که
یکی از دلایل ادایه جنک ناخواسته در
گردستان حفظ و سپاه پاسداران بود که
با عده ای اعتقاد وايمان به انقلاب و جانشاني
در راه حفظ دستاوردهای آن، به دليل
نداشتن آموزش صحیح و کامل، برخورده
ها بی پدید آوردند که فرجام خوشی
نداشت و با چنین تجربه ای چکونه می-
توان تصور کرد که برادران آذربایجانی،
اگرچه به نام سپاه صلح بتوانند گره گشای
باشند!

هتسفانه بیان شما در مورد عدم
دخلت ارش در منطقه این تردید را به
وجود می آورد که خدای ناگرده ارش و
دیگر نیروهای انتظامی وجودشان فساد صلح
و دوستی است. حال آنکه نگاهی گذرا به
کارنامه ای پس از انقلاب ارش چمپوری
اسلامی و رفتار مهرآمیز برادران و خواهران
گرد با نظامی ها، نمایشگر این حقیقت
است که جز در یکی دو مورد که گناه آنرا
نیز باید به حساب ندانم کاری بعضی از
دست اندرگاران گذاشت، نیروهای انتظامی
به بیشین شکل رفتار گرده اند.

حواست های مردم و هدف های عالی آنها را
دارد و بهر حال به عنوان قدرت حاکم
مسئول و قایعی است که مملکت می گذرد.
البته مطبوعات نیز به دلیل استقلال
رسمی شان، می بایست مسئولیت آنچه را
که پخش و نشر می کنند به عهده گیرند.
اما مسئولیت بزرگتر را دولت عهده دارد
است. با قانون مطبوعات و با وزارت خانه ای
برای کنترل کار مطبوعات. همچنین این
دولت است که موظف به انتشار دقیق ترین
و صحیح ترین اخبار از طریق رسانه ها
است.

نهونه روشن دیگری از پریشانی در
انعکاس اخبار، هاجراه اسرارآمیز ساواکی ها
در پست های حساس دولتی است. و تیتر-
های درشت روزنامه ها با مطالب بلند بالا
که در عیچیک واقعیتی نمی توان دید.
هیچکس نمی داند هاجرا چیست؟ چطور
دولت اسلامی استقلال طلب به یک ساواکی
فرصت طلب امکان کار در پست میرمی هی-
دهد و ناگهان دولت بعداز هشت ماه
اعتراف می کند که ساواک می تواند به داخل
آن اینگونه آسان و راحت نفوذ کند. آیا
نتیجه پخش و نشر چنین خبری جز این
است که دولت بی اعتبار و مردم بی اعتماد

<p>حضرت آیت‌الله،</p> <p>بیان شما از سپاه صلح آذربایجانی برای من این تردید را ببار آورد که شما به همه‌ی فرزندان خود بایک چشم نمی- نگرد و برخی از آنها از هم‌بیشتری برخوردارند و این خود خطری را هشدار می‌دهد. حال آنکه توقع بجای ما از شما اینستکه خود را تنها متعلق به یک بخش از هیهن ندانید. ما شما را پیشوای مذهبی و پدر مهربان و منطقی خود می‌دانیم و درینگ اگر شما نیز حنفی نمینشیدا</p>	<p>تو نوند؟</p> <p>بهر طریق متأسفانه پیچیدگی رابطه‌های میان دولت و ملت، یا دولت و مطبوعات مانع از این است که بتوان به هدف‌های انقلاب، بخصوص استقلال فکر و اندیشه در جامعه‌ای آزاد دست یافت. و مهمنتر اینکه، اینگونه آشنازی‌ها بر حسب تجربه عاقبت به نوعی جبیه‌گیری میان دولت و ملت خواهد انجامید و قدرت‌نمایی این دو مقابل یکدیگر راهی تازه بروی فرصت‌طلبان خواهد گشود.</p>
--	---

واقعیات را کجا پیدا کنیم

بقیه از صفحه اول
نمونه اشاره می‌کنم به مهمترین مساله در
ایران امروز، یعنی کردستان، با مشکلات و
درگیریهایش و در رابطه با مردم دیگر
 نقاط کشور که آنهاست بیشترشان از
 واقعیات بدون تردید می‌توانند دریافتن راه
 حل نیز هوّتّر باشد. اما اگر مردم درباره
 آنچه بر هموطنشان می‌گذرد هیچ ندانند
 چگونه می‌توانند در حفظ آزادی، یا ساخت
 و حفظ چامعه‌ای سالم و بذور از نیز نگهای

آنچه در کردستان گذشته و می‌گذرد
نه تنها از نظر تاریخی بر مردم ما روشن
نیست، بلکه اخبار روز و جریان وقایعی
که لحظه به لحظه برخواهرا و برادران
کرد ها می‌گذرد نیز در سایه‌ای از خد
و نقیض‌ها و سیاست بازی‌های اسرارآمیز
انعکاس می‌یابد. و اگر در همین ده، پانزده
روز گذشته هزوئی بر اخبار کردستان
در رسانه‌های پر تیراز پایتخت بکنیم (که
در اینجا متأسفانه دادیه تلمذت بهم بدل)

خودداری از نهایش فیلم یا تولید برنامه‌های مستند و بیطرف درباره گردستان از بحث ما خارج است) همه چیز خواهیم دید مگر آنچه ما را با واقعیت‌ها پیوند دهد. کاه حتی اخبار فساد و نقیض این وحشت را چه برای دولت مستول و چه برای مردم دلسوز بوجود می‌آورد که هبادا راه حل به بن‌بست گشته شود.

بنابراین مشکل قطع ارتباط و عدم اعتماد امکانی دوباره برای حضور در ذهن مردم پیدا می‌کند و بار دیگر فاجعه مطبوعات بی‌خاصیت تکرار می‌شود. شایعه سازی بالا می‌گیرد و حقیقت بشکل اسرار معترمانه دهان به دهان نقل می‌شود. بالاین تفاوت گه دولت‌های پیشین نه نام «مردمی» داشتند و ته در اندیشه ارتباطی سالم با

و اطلاع از موقعیت خویش بطور انفرادی
و راجع به خودشان و علاقه به آزادی واقعی

یا بصورت یک طبقه اقدام کنند؟ یا اینکه نظام فکری و فرهنگی جامعه باید دمگوون شود؟! بیشک اقدام باید از سوی دولت باشد، زیرا تسبیه در یک جامعه آزاد است

ن، یکی از مهمترین

است

و دقیق و حساب شده به زنان آموزش و آگاهی بدهد. به آنها بیاموزد که انسانی بیندیشند و خواهان همه‌ی حقوق انسانی خود باشند و در راه بدبست آوردن آن عمل کنند.

در چنان فضای دیگر با بندهای قاتون نمی‌توان به استثمار زن اراده داد و حقوق انسانی او را پایمال کرد و مقام هادری و همسری او را تا حد موجود بی-عویت و گم شده‌ای پائین آوردا

آزادی و استقلال زن، یکی از مهمترین عوامل استقلال حامی است.

卷之三

ای یک بار هم که شده باید
را بطور کامل دریافت. زن را به
ننسانند و به جامعه این آگاهی را
زن یک انسان است و نباید هدف
سوء قرار گیرد.
من خوش باورانه نمی‌آمدیشم در
که زن مخلوق مرد و در پنجهای
هدیهان این قبیل آزادی‌ها و هدفهای
نویدبخش ولی در حقیقت کم ارزش و
آزادی‌ها عموماً دارای ظاهری فربیننا
بسیار سخن رفته است و می‌رود. ۱
مطلوب دیگر اینکه از آزادی زن
خویش را مشخص گند.

در تهای هر تی و نامرئی اوست بتوان با
متیاز دادن، شخصیت پایهال شدهااش را
زیم گرد. زن باید از موقعیت کنونی خود
گاهی کامل یابد و این ممکن نیست هرگز
همت زنان و مردانی که براستی انسان
در پیشه‌ی زندگی بدور از جنسیت آن
می‌نهند و حقوق واقعی زن و مرد را
دور از شعار و تظاهر و ریا یکسان و
ابر می‌شناسند.

یکی از ابتدائی ترین شیوه سانسور یا در مفهوم کلی، خودسانسوری درستگاه حاکمه‌ی فاسد پهلوی دورنگپداشت هردم از آنچه‌که در مملکت میگذشت و کتمان حقیقت بود تا بدان پایه بود که وقتی روز عاشورا گروهی از افسران جانباز و مخالف رژیم در مطمن‌ترین پایگاه جاسوسی شاه یعنی لویزان رگبار مسلسل را بر روی زنالهای خائن بوطن نشانه رفتند و فریب صد نفر از عمال سفارک رژیم را به خاک و خون کشیدند دستگاه‌های خبررسانی نه تنها حاضر به بازگوئی حقیقت نشده‌ند بلکه در مقابل انتشار خبر حمله به رستوران زنالهای در لویزان عکس‌العملشان برپایان یکسان و رژه مسخره آنهم در داخل پادگان و در حصار تانگها و تپهای آماده آتش و دعوت از چند روزنامه‌نگار هزدور داخلی و معنوی کادوبگیر حرلهای به صورت گزارشگر روزنامه‌های خارجی بود. برپایان آن مانور فقط به خاطر انتشار خبر حمله از سوی یکی دو رادیویی بیگانه بود والا شاید چنان مانور مسخره‌ای هم هرگز برپا نمیشد پول نداشتم، پشتوانه ارزی نداشتم حتی ارزی را که می‌بايستی بایت تحويل نفت بگیریم در مقابل خریدهای کلان شاهانه از اسلحه سنگین گرفته تا شکلات تخم مرغی کودکان که همه آنها پیش خرید شده بود می‌پرداختیم، از هردم کتمان میشد امروز می‌بینیم هر یک از قراردادهای سمعه‌ماری را که بخواهیم رویش انگشت بگذاریم و آنرا فسخ کنیم تا انش را قبل از اینکه انقلاب سفید شاه و ملت به روسیها می‌فرستادند. فقر و بیماری روسیا به نیستی کشانده بود ولی دستگاه‌های اطیغات شاهانه صحبت از پیشرفت کشاورزی میکرد. بانک عمران - بانک شاهانه

چرامشکلات گرانی و کمبود مواد اولیه را به مردم نمی گوئید

